

اشتغال در بازار کار غیر رسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۵)

دکتر صادق بختیاری*
خجسته خوب‌خواهی**

چکیده

یکی از دغدغه‌های اکثر کشورهای جهان این است که انجام فعالیت‌های اقتصادی به صورت پنهان و غیر رسمی در حال افزایش است. پس از شکل‌گیری اقتصادهای مدرن، فعالیت‌های غیر رسمی به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی بازار کار محسوب می‌شود. نیافتن شغل رسمی و گریز از محدودیت‌های قوانین و مقررات، از جمله دلایل ورود افراد به بازارهای کار غیر رسمی است. توجه به اهمیت بازار کار و نقش مهمی که در ایجاد تعادل در اقتصاد به عهده دارد، شناخت بازارهای کار را با توجه به ساختارها و ماهیت‌های متفاوتی که دارند، ضروری می‌سازد. در این پژوهش با استفاده از روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)، با رویکرد حداقل مربعات جزئی به برآورد سهم شاغلان بازار کار غیر رسمی در ایران پرداخته شده است. محاسبات نشان می‌دهد که سهم شاغلان بازار کار غیر رسمی ایران، در طی دوره ۳۵ ساله (۱۳۵۱-۱۳۸۵) با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است، ولی در مجموع روند صعودی را طی کرده است، که بیشترین سهم مربوط به دوره (۱۳۶۹-۱۳۸۵) بالغ بر ۲۱ درصد است. نتیجه برآورد نشان می‌دهد، بار مالیاتی، تورم و حداقل دستمزدها، تعیین‌کننده اصلی جهت‌گیری روند یادشده بوده‌اند و توزیع درآمد و مصرف انرژی به شدت از این متغیر تأثیر می‌پذیرند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال غیر رسمی، بخش غیر رسمی، رویکرد حداقل مربعات جزئی، مدل MIMIC، معادلات ساختاری

مقدمه

اقتصاددانان بر این واقعیت مهم اتفاق نظر دارند که نیروی کار به عنوان یکی از عوامل مهم تولید، در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی را تعیین می‌کند. ایجاد شرایط مناسب اقتصادی در بازار کار، به منظور استفاده بهینه از نیروی کار به عنوان یکی از مناسب‌ترین روش‌های اقتصادی برای تحقق هدف توسعه اقتصادی پایدار پیشنهاد و در برخی کشورها به اجرا گذاشته شده است. اصولاً سیاست‌گذاری و قانونگذاری بر کارکرد بازارهای کار تأثیرگذار است و بازار کار خود بخش‌هایی را پدیدار می‌سازد که بر تصویب و اعمال سیاست‌های ملی تأثیر می‌گذارد. از جمله بخش‌هایی که در نتیجه غفلت سیاست‌گذاری‌ها از نقش بازار کار در ایجاد تعادل اقتصادی به وجود آمده است، بازارهای کار غیر رسمی است. این بازار از بخش‌های مختلف قانونی و غیر قانونی تشکیل شده است که مهم‌ترین بخش بازار کار، بخش غیر رسمی بوده است. این بخش با جذب نیروی کاری که موفق به یافتن شغل در بخش رسمی نشده، نقش مهمی را در کارکردهای اقتصاد ملی بر عهده می‌گیرد. بخش غیر رسمی، شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به لحاظ ساختار بنگاه‌های فعال در آن بخش، یا ناکارایی نظام اداری، اصولاً از سوی دولت قابل کنترل نیست و قابلیت اعمال مستقیم سیاست‌های دولت نسبت به آن بسیار پایین است. فعالیت سهم عمده‌ای از شاغلان در بخش غیر رسمی و به حاشیه رفتن آن در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با بازار نیروی کار، سبب شکست یا کم اثر شدن بسیاری از تصمیم‌های دولت‌ها شده است. از این رو، شناسایی و شناخت ساختارهای اشتغال در بخش غیر رسمی می‌تواند مؤثرترین اقدام در جهت شناخت و اتخاذ سیاست‌های مناسب بازار کار باشد. با توجه به اینکه فعالیت‌های غیر رسمی، به چندین بخش تقسیم شده‌اند و با توجه به اهمیت بخش غیر رسمی در کاهش بیکاری، در این بررسی، بخش غیر رسمی را از دیگر فعالیت‌های غیر رسمی متمایز کرده و مبنای فعالیت‌های بازار کار غیر رسمی در این مطالعه قرار داده شده است.

مبانی نظری

موضوع اشتغال و بیکاری در کشورهای در حال توسعه با کشورهای صنعتی متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه مردم فقیر غالباً بیکار نیستند، بلکه درآمدشان ناکافی است. یکی از قلمروهای فعالیت اقتصادی در این کشورها که ظرفیت بالایی برای ایجاد اشتغال هرچند با بازدهی و بهره‌وری پایین، بخش غیر رسمی است. بررسی‌های سازمان بین‌المللی

کار نشان داده است که در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه، بسیاری از فقرای شاغل، یا به کارهای آزاد اشتغال دارند، یا در کارگاه‌های کوچک که سرمایه ثابت آنها ناچیز و روش‌های تولیدی آنها کاربر است، به کار مشغول‌اند.

آنچه که در سال‌های اخیر بر اهمیت نقش و جایگاه این بخش در کشورهای در حال توسعه افزوده، آن است که در آغاز قرن بیست و یکم میلادی و تعیین اهداف عامی برای توسعه در هزاره سوم و تلاش در جهت امحاء، یا کاهش فقر، توجه مسئولان را به اهمیت بخش غیر رسمی و اشتغال در آن معطوف داشت.

بخش غیر رسمی که تا این زمان به دلیل نبودن توجه و حمایت دولت‌ها نادیده گرفته می‌شد، نقش مؤثر و برجسته‌ای را در کاهش بیکاری و فقر ایفا نمود و با جذب میزان قابل توجهی از بیکاران شهری و مهاجران روستایی به بازار کار، مورد توجه سیاست‌گذاران، اقتصاددانان و برنامه‌ریزان دولتی قرار گرفت.

امروزه قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه بخش غیر رسمی توجه بسیاری از مسئولان را در حل بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه‌ای که با معضل رو به رشد بیکاری مواجه‌اند، به خود جلب نموده است.

در این تحقیق سعی شده است با بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش فعالیت‌های غیر رسمی و مؤلفه‌های مهم اقتصادی که از این فعالیت‌ها تأثیر می‌پذیرند، سهم شاغلان غیر رسمی بازار کار در ایران تخمین زده شود.

بالا بودن نرخ رشد جمعیت ایران، جوان بودن جمعیت، افزایش نرخ مشارکت زنان، مهاجرت روستاییان به شهرها، همراه با مشکلات نهادی همچون تورم، بیکاری، بوروکراسی ناکارآمد و نرخ حداقل دستمزدها، منجر به ایجاد شکاف گسترده میان عرضه و تقاضای نیروی کار در کشور شده و بسیاری از واحدهای عرضه‌کننده و متقاضی، نیروی کار را به سوی فعالیت در بازار کار غیر رسمی سوق داده است. با توجه به روند رو به رشد عرضه نیروی کار و عوامل دیگری که برشمرده شد، به‌خصوص در سال‌های اخیر، انتظار این است که رشد بخش غیر رسمی ایران ادامه داشته و شاغلان بسیاری را در خود جای دهد.

در این بخش، نخست به ارائه تعریف‌هایی از بخش غیر رسمی پرداخته و سپس دلایل پیدایش فعالیت‌های غیر رسمی بازار کار مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش غیر رسمی تولیدکننده کالاها و خدمات قانونی است که هیچ‌گونه منع قانونی ندارد (توماس و دیگران، ۱۳۷۶). در تعریف دیگر فعالیت‌های غیر رسمی را خدماتی می‌دانند که از سوی افراد در

بخش‌های خصوصی انجام می‌گیرد و فاقد هر گونه کنترل و نظارت رسمی است (جان و مایکل، ۱۹۸۹). کیت هارت تعریف خود از بخش غیر رسمی را براساس اینکه افراد کسب و کار شخصی دارند یا حقوق‌بگیر هستند، ارائه کرده است. ستورامان^۱ تعریف خود از بخش غیر رسمی را براساس انگیزه فعالیت شاغلان این بخش استوار نموده است؛ وی معتقد است برخلاف بخش رسمی که انگیزه فعالیت در آن حداکثرسازی سود است، بخش غیر رسمی ایجاد اشتغال در جهت کاهش بیکاری را هدف قرار داده است. دیدگاه دیگر در مورد بخش غیر رسمی از سوی ویکز ارائه شده است. ویکز اظهار می‌دارد عامل اصلی تشخیص تفاوت بین دو بخش رسمی و غیر رسمی ارتباط بنگاه و دولت است (توماس و دیگران، ۱۳۷۶). تعریف دیگر از بخش غیر رسمی، در بانک جهانی از سوی مزومدر^۲ ارائه شده است. وی تعریف خود از بخش غیر رسمی را از قرار دادن بخش غیر رسمی در مقابل بخش رسمی (بخش حمایت‌شده) ارائه داده است. مزومدر این بخش را برخلاف بخش رسمی که حمایت‌های شغلی منجر به بالا رفتن سطح دستمزدها، بهبود شرایط کاری می‌شود، محروم از قوانین تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و قوانین کار می‌داند (مزومدر، ۱۹۷۶).

سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۲)، اشتغال غیر رسمی را شامل کلیه افرادی می‌داند که در مشاغل غیر رسمی به کار مشغول‌اند، صرف نظر از اینکه شغل اصلی یا ثانوی آنها باشد. اشتغال در خانه (مانند فعالیت زنان خانه‌دار) و اشتغال در تولید کالاهایی که برای استفاده نهایی خانوارها تهیه می‌شود (مانند کشاورزان سنتی)، نمونه‌هایی از اشتغال غیر رسمی هستند. اشتغال غیر رسمی می‌تواند در بخش رسمی، بخش غیر رسمی یا خانوار باشد و شامل موارد ذیل است:

- برای خوداشتغالان در صورتی که فعالیت در بخش غیر رسمی باشد، اشتغال آنها نیز غیر رسمی محسوب می‌شود؛

- کارکنان فامیلی بدون مزد، صرف نظر از بخشی که در آن کار می‌کنند دارای اشتغال غیر رسمی محسوب می‌شوند؛

- مزدبگیران و حقوق‌بگیران در صورت داشتن اشتغال غیر رسمی در بخش رسمی، یا بخش غیر رسمی و یا در صورت اشتغال در خانوار، دارای اشتغال غیر رسمی محسوب می‌شوند.

ضوابط متعارف برای اطلاق عنوان غیر رسمی به اشتغال عبارت‌اند از:

۱. نداشتن قرارداد؛

۲. نداشتن مرخصی سالانه با حقوق؛

1. S. V. Sethuraman

2. Mazumdar

۳. نداشتن مرخصی استعلاجی با حقوق؛

۴. پرداخت نشدن حق بیمه از طرف کارفرما.

بنگاه‌های بخش غیر رسمی، به بنگاه‌هایی اطلاق می‌شود که در آن دخل و خرج کارگاه از دخل و خرج صاحب کارگاه قابل تفکیک نبوده و تعداد شاغلان دائمی آن اندک باشد. گسترش فعالیت‌های غیر رسمی بازار کار را نمی‌توان پدیده‌ای موقتی تلقی نمود؛ زیرا روز به روز در حال گسترش است و این مسئله، ضرورت شناخت بازار کار غیر رسمی را بیش از پیش ضروری می‌سازد. مهم‌ترین دلایل اهمیت بخش‌های غیر رسمی بازار کار چنین عنوان شده است:

- تأمین‌کننده کالاهای مورد نیاز گروه کم درآمد جامعه؛
- افزایش اشتغال‌زایی و مهار معضل بیکاری؛
- استفاده از پس‌اندازهای شخصی و ایجاد تحرک در آن؛
- انتقال مهارت از طریق سیستم آموزشی غیر رسمی (استاد/ شاگردی).

علل اشتغال در بازار کار غیر رسمی

شکل‌گیری و پیدایش بازار کار غیر رسمی، تابعی از خصوصیات و شرایط اقتصادی است این خصوصیات و شرایط از یک ساختار اقتصادی به ساختار اقتصادی دیگر متفاوت است. بنابراین، دلایل ایجاد این پدیده نیز در ساختارهای اقتصادی مختلف، متفاوت است. در این مقاله سعی شده تا با توجه به ویژگی‌های ساختاری اقتصادی ایران، متغیرهای مناسبی به عنوان علل گرایش به این‌گونه فعالیت‌ها انتخاب شود. متغیرهای مهم و تأثیرگذار، که بیشتر محققان این رشته نیز بر آن اتفاق نظر دارند، نرخ‌های بالای مالیات، تورم، حداقل دستمزدها و بیکاری است.

یکی از مهم‌ترین علل ایجاد فعالیت‌های بازار کار غیر رسمی (که در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته از اهمیت بیشتری برخوردار است) نرخ‌های بالای مالیات است. افزایش بار مالیات، انگیزه قوی برای کار کردن در بازار کار غیر رسمی ایجاد می‌کند. در حالی که مالیات یکی از منابع مهم تأمین‌کننده مخارج دولت است، دولت با اخذ مالیات و جمع‌آوری و هدایت آن در جهت انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی نقش مهمی را در توسعه اقتصادی ایفا می‌نماید، اما نرخ‌های بالای مالیاتی منجر به فرار مالیاتی^۱ از سوی افراد می‌گردد و متعاقب آن افراد را به سوی فعالیت در بخش غیر رسمی سوق می‌دهد.

۱. هرگونه تلاش غیر قانونی برای پرداخت نکردن مالیات، مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود.

بوئری و گری بالدی^۱ (۲۰۰۱، ص ۷۷)، معتقدند افزایش بار مالیات، هزینه‌های تأمین اجتماعی و مداخله‌های بیش از حد دولت، در کنار محدودیت‌های بازار کار، از عوامل تأثیرگذار بر رشد فعالیت‌های غیر رسمی است.

دومین عامل اثرگذار بر ایجاد فعالیت‌های غیر رسمی افزایش نرخ تورم است. با توجه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، قدرت خرید گروه بسیاری از مردم کاهش یافته و شماری از خانوارها زیر خط فقر قرار خواهند گرفت. فقر و ناتوانی در تأمین حداقل معاش و برآورده نشدن نیازها در بسیاری از مواقع افراد را به سمت شغل‌های دوم و سوم می‌کشاند و ورود به بازارهای کار غیر رسمی را افزایش می‌دهد.

سومین علت پیدایش فعالیت‌های غیر رسمی، افزایش حداقل دستمزدها است. گزارش بانک جهانی^۲ حاکی از کاهش مشاغل رسمی در اثر افزایش حداقل دستمزدها است. این مسئله به ورود کارگران به بازارهای غیر رسمی کار با دستمزدهای پایین می‌انجامد و اشتغال در این بخش افزایش می‌یابد. با تعیین حداقل دستمزدها بالاتر از دستمزد تعادلی در بخش رسمی، دستمزدها به سمت حداقل دستمزد افزایش می‌یابد، اثر این انتقال کاهش اشتغال در بخش رسمی است. بیکارانی که در بخش رسمی به دلیل افزایش حداقل دستمزد فرصت اشتغال نیافته‌اند به سوی بخش‌های غیر رسمی حرکت می‌کنند، انتقال بیکاران به بخش غیر رسمی به افزایش عرضه نیروی کار در این بخش انجامیده و منحنی عرضه نیروی کار را به سمت پایین انتقال می‌دهد. بنابراین، افزایش نرخ حداقل دستمزد می‌تواند به پیدایش و گسترش فعالیت‌های غیر رسمی منجر شود.

عامل دیگری که باید به آن توجه کرد، نرخ بالای بیکاری است. در واقع بیکاری در نتیجه مازاد عرضه نیروی کار نسبت به تقاضای نیروی کار به وجود می‌آید. این عدم تعادل بازار کار می‌تواند به دلایلی چون افزایش جمعیت، جوان بودن جمعیت، افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی، کاهش درآمد سرانه و تغییر اندازه و ترکیب جمعیت و سن ورود به بازار کار باشد. رشد نرخ بیکاری تأثیر بسیار زیادی در گسترش فعالیت‌های غیر رسمی داشته و این عامل بر تصمیم فرد در انتخاب بین کار در بخش رسمی و غیر رسمی اثر می‌گذارد و انگیزه فعالیت در بخش غیر رسمی را افزایش می‌دهد (آن و دلاریکا، ۱۹۹۷).

فساد، از جمله عوامل دیگری است که می‌تواند در ایجاد و توسعه بخش غیر رسمی مؤثر باشد. در جامعه‌ای که فساد حاکم است به دلیل گریز از قانون و انجام غیر شفاف

1. Garibaldi & Boeri

2. World Bank Report (1990)

فعالیت‌ها، توجه به بخش غیر رسمی بیشتر می‌شود. وقتی کسب و کار و بازرگانی به بخش غیر رسمی منتقل می‌شود، موانع ورود به بخش رسمی، و مخارج زیاد کسب و کار در این بخش، به‌ویژه در شرایطی که فساد حاکم است، کسب و کار در بخش رسمی را پرهزینه و دشوار ساخته و فعالیت‌ها بیشتر به سمت بخش غیر رسمی گرایش می‌یابد. به سخن دیگر، فساد، رانت‌جویی و قانون‌گریزی، از عوامل مهم تأثیرگذار در ایجاد و گسترش اقتصاد غیر رسمی هستند. از آنجا که منشأ فساد می‌تواند عوامل نهادی، سیاسی، اجتماعی و ساختاری باشد همه این عوامل نیز می‌توانند در ایجاد و گسترش بخش غیر رسمی نقش داشته باشند. مطالعات و تحقیقات متعدد در کشورهای OECD، آمریکای لاتین و اقتصادهای در حال گذار نشان داده‌اند که با گسترش فساد و ضعیف شدن نقش قانون، فعالیت‌ها به بخش غیر رسمی منتقل شده و حجم اقتصاد غیررسمی افزایش می‌یابد. (نیللی و ملکی، ۱۳۸۵).

زمینه‌های اجتماعی بروز فساد مالی و اقتصادی در ایران را افزایش نابرابری در جامعه، افزایش نیازها، امکان نداشتن افزایش درآمدها، تضعیف کنترل درونی و بیرونی، هنجار شدن کارهای نامشروع، وجود قوانین و مقررات بیش از حد و گاه متضاد یا متناقض، ضعف در اجرای قوانین و مقررات، رواج بی‌اعتمادی در جامعه و پایین بودن سرمایه اجتماعی، از جمله عواملی هستند که از یک طرف زمینه فساد اقتصادی و مالی را فراهم کرده و از طرفی کارفرمایان و متقاضیان نیروی کار را متوجه بخش غیر رسمی بازار کار به دلیل عدم وجود شفافیت می‌نماید. نبودن شفافیت در نظام اقتصادی کشور، از قبیل شفافیت نداشتن درآمدهای عمومی، هزینه‌های عمومی، نبودن شفافیت در بازار پول، بازار ارز و به‌ویژه بازار کار، به عنوان عوامل مهم در بروز فساد مالی و اقتصادی دانست.

گرچه در ادبیات اقتصادی، بار مالیاتی و بار تأمین اجتماعی را از مهم‌ترین عوامل افزایش بخش غیر رسمی مطرح می‌کنند، ولی کاهش بار اینها به‌تنهایی کارساز نخواهد بود و همزمان باید به دیگر علل گسترش بخش غیر رسمی، از جمله عوامل نهادی، ساختاری و اجتماعی فساد نیز توجه داشت که بحث تفصیلی آن خارج از موضوع و مجال این مقاله است.

آثار فعالیت‌های غیر رسمی

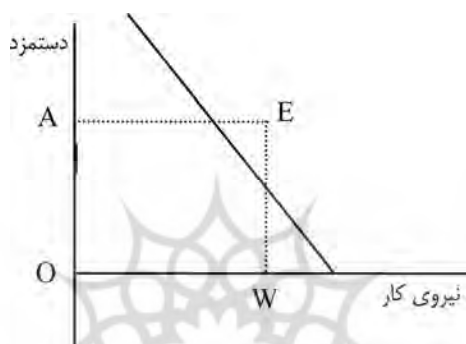
گسترش فعالیت‌های غیر رسمی آثار بسیاری در اقتصاد به وجود می‌آورد، از جمله:

۱. تأثیر بر توزیع درآمد: تأثیر فعالیت‌های غیر رسمی بر توزیع درآمد، از مهم‌ترین مباحثی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. توزیع درآمد تحت تأثیر عوامل به‌وجودآورنده

درآمد خانوار، شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و سیاست‌های دولت در زمینه توزیع درآمد قرار دارد.

برای توضیح حضور بخش غیر رسمی در اقتصاد ملی و تأثیر آن بر توزیع درآمد دو حالت قابل تصور است:

الف) حالتی که بخش غیر رسمی در اقتصاد ملی وجود نداشته باشد و اندازه بخش رسمی ثابت و وضعیت اقتصادی اجازه گسترش آن را نمی‌دهد. در این شرایط، درآمد حاصل از فعالیت بخش رسمی را می‌توان به اندازه OAEW دانست.



نمودار ۱: درآمد حاصل از فعالیت بخش رسمی

ب) حالتی که امکان ورود به بخش غیر رسمی وجود دارد، در این حالت به دلیل آنکه عده‌ای که درآمد بخش رسمی تکافوی آنها را نمی‌کند و معمولاً از گروه‌های پایین درآمدی هستند، وارد بخش غیر رسمی شده و وضعیت درآمدی آنها بهبود می‌یابد. در این وضعیت که بخش غیر رسمی وارد اقتصاد می‌شود، براساس نمودار شماره ۲، درآمد حاصل از عامل کار در جامعه به اندازه OAE'W' افزایش می‌یابد.



نمودار ۲: اثر ورود بخش غیر رسمی بر توزیع درآمد

همچنین می‌توان استدلال نمود که رشد فعالیت‌های غیر رسمی هم از طریق کاهش درآمدهای دولت (عدم پرداخت مالیات) برای توزیع مجدد و هم از طریق ایجاد اختلاف طبقاتی بین عاملان بخش‌های رسمی و غیر رسمی (افزایش شاغلان بخش غیر رسمی باعث کاهش دستمزدها در این بخش می‌شود) بر توزیع درآمد، اثری منفی برجای خواهد گذارد (نیلی و ملکی، ۱۳۸۵).

تولید ناخالص داخلی: یکی از مهم‌ترین مسائلی که باعث کاهش تولید ناخالص داخلی در برابر افزایش فعالیت‌های غیر رسمی می‌شود، پدیده‌ی پول‌شویی است. این پدیده باعث خارج شدن نقدینگی از چرخه تولید کالاها و خدمات می‌شود. علاوه بر این، به دلیل فضای نابرابر رقابتی بین بنگاه‌های فعال در بخش رسمی و غیر رسمی، به جهت هزینه‌های پایین بخش غیر رسمی، که از عدم پرداخت مالیات‌ها و عوارض قانونی حاصل می‌گردد، در بلندمدت باعث ورشکستگی بنگاه‌های رسمی و به دنبال آن کاهش تولید ناخالص رسمی خواهد شد.

۲. تأثیر بر مصرف انرژی: افزایش یا کاهش تولید کالاها و خدمات در کل اقتصاد (رسمی و غیر رسمی) با توجه به نیازمندی به عوامل تولید (از جمله نهاده انرژی) بر میزان مصرف عوامل اثر می‌گذارد و در اطلاعات مربوط به آن منعکس می‌شود. علت اینکه از این شاخص به عنوان نمایه‌ای از افزایش یا کاهش اندازه بازار کار غیر رسمی استفاده می‌شود، آن است که بنگاه‌های تولیدی و خدماتی با توجه به اینکه از مواد اولیه و عوامل تولید برای تولید کالاها و خدمات خود بهره می‌جویند، اگر مصرف انرژی در یک دوره بیش از مقدار لازم برای افزایش تولید در بخش رسمی باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این افزایش در استفاده از انرژی (به عنوان عامل تولید) به دلیل افزایش در تولید کالاها و خدمات در اقتصاد غیر رسمی است. به سخن دیگر، این افزایش در مصرف انرژی می‌تواند نشانگر افزایش در تولید کالاها و خدمات در بازار کار غیر رسمی باشد.

۳. تأثیر بر سرمایه‌گذاری: تأثیر اشتغال در بازار کار غیر رسمی، بر رشد سرمایه‌گذاری را از دو جنبه می‌توان بررسی نمود: نخست اینکه، ورود افراد به این بازار کار، به‌رغم اندک بودن سرمایه آنان اثر مثبتی بر سرمایه‌گذاری کل خواهد گذاشت، دوم آنکه اشتغال در بازار کار غیر رسمی می‌تواند معلول عدم سرمایه‌گذاری در بخش رسمی اقتصاد باشد و به بیان دیگر، این گسترش بازار کار غیر رسمی است که موجب پایین آمدن سطح سرمایه‌گذاری ملی اقتصاد شده است. با توجه به این مطالب بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر

گسترش فعالیت‌های غیر رسمی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری چندان روشن نیست و این مطلب در تحقیقات متفاوت از جمله در تحقیق نایب (۱۳۷۸) برای اقتصاد ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

چالش‌های اشتغال در بخش غیر رسمی

با توجه به اهمیت این بخش در کاهش بیکاری، سازمان بین‌المللی کار، وضعیت فعالان بازار کار غیر رسمی را دارای درآمد پایین، حمایت‌های ناکافی اجتماعی، فقدان جایگاه مناسب در اجتماع، کیفیت پایین دانسته و چون این عوامل را موجب شایستگی کار می‌داند، کار در بازار کار غیر رسمی را کار شایسته^۱ تلقی نمی‌کند (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۸۳).

کمبود حمایت‌های اجتماعی: از آنجا که بیشتر جمعیت کشورهای در حال توسعه را مزدبگیران بخش غیر رسمی و کارگران مستقل تشکیل می‌دهند و از هیچ‌گونه حمایت‌های اجتماعی برخوردار نیستند، اولویت بخشیدن به پوشش اجتماعی برای این جمعیت الزامی است. این کارگران با درآمد کمی که به دست می‌آورند، از نظام‌های حمایت اجتماعی بهره‌مند نیستند (بیمه، غرامت بازنشستگی) و نهایتاً از نهادها و سازمان‌های مددکاری کمک می‌طلبند (حقوق‌شنو، ۱۳۸۴). کمبود حمایت‌های اجتماعی در اقتصاد غیر رسمی، نه تنها یکی از چالش‌های عمده این بخش به‌شمار می‌رود، بلکه اقتصاد رسمی را نیز با تهدید جدی مواجه ساخته است.

قیود قانونی و مالی: بنگاه‌های فعال در بازار غیر رسمی در صورت تأسیس قانونی و فعالیت در بنگاه‌های رسمی بر طبق قانون، متحمل هزینه‌هایی می‌شوند که آنها را از حرکت به سوی بخش رسمی بازمی‌دارد. از طرفی در مدت زمانی که این کارگاه‌ها مشغول به فعالیت هستند، ملزم به انجام قوانینی از جمله قوانین کار و قوانین مالیاتی هستند که صاحبان بنگاه‌های غیر رسمی در صورت تمایل به رعایت این قوانین و مقررات از عهده هزینه آن بر نمی‌آیند (باباحیدری، ۱۳۸۰).

فقدان ایمنی و بهداشت شغلی: حوادث و بیماری‌های شغلی یکی از مخوف‌ترین تراژدی‌های انسانی صنعت امروز و یکی از جدی‌ترین اشکال ضایعات اقتصادی است. هزینه کل آسیب‌ها و بیماری‌های ناشی از کار بین یک تا شش درصد تولید ناخالص ملی

1. decent work

کشورها برآورد می‌شود. بار اقتصادی تحمیلی ناشی از این حوادث، تنها شامل هزینه غرامت نمی‌شود، بلکه زیان تولید، شکست برنامه‌های تولیدی و خسارت وارد شده به تجهیزات تولیدی را نیز دربر می‌گیرد و این هزینه‌ها به جامعه و بنگاه‌های اقتصادی و کارکنان آن تحمیل می‌شود (بابایی، ۱۳۸۴). کارگران بخش غیر رسمی به دلیل استانداردهای ایمنی و بهداشتی پایین و خطرات محیطی و محیط‌های کاری نامساعد، بیش از کارگران رسمی در معرض خطرات محیطی قرار دارند. فقدان امنیت شغلی و بهداشتی، نه تنها مانعی در جهت ارتقای بخش غیر رسمی است، بلکه گاهی به فروپاشی واحدهای فعال در بازار غیر رسمی منجر می‌شود.

محرومیت از حقوق کار: با توجه به این مسئله که در طی سال‌های اخیر مشاغل فراوانی در بخش غیر رسمی ایجاد شده است، و در عین حال بیشتر مشکلات در رابطه با حقوق کارگران نیز در این قلمرو قرار دارد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اشتغال در بخش غیر رسمی، که به وضوح به چشم می‌خورد، محرومیت حقوقی فعالان این بخش است. به اعتقاد سازمان بین‌المللی کار، ایجاد مشاغل در هر کدام از بخش‌های رسمی و غیر رسمی تنها نباید صرفاً با هدف تأمین شغل بیشتر باشد، بلکه باید کیفیت مشاغل نیز مورد توجه قرار گیرد. از جمله این عوامل کیفی که مورد تأکید سازمان بین‌المللی کار است، می‌توان به موارد ذیل که به حقوق بنیادین کار^۱ موسوم‌اند اشاره نمود:

الف) نبودن تبعیض در استخدام و شغل؛

ب) لغو مؤثر کار کودک؛

ج) الغای همه‌اشکال کار اجباری؛

د) آزادی اجتماع و وقوف کامل از داشتن حق چانه‌زنی و برقراری یک گفتمان اجتماعی بین کارگر، کارفرما و دولت (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۸۳).

فقر و اشتغال غیر رسمی

نیرویی که بیشتر مردم را به انجام مشاغل مختلف، چه خوب، چه بد، چه سخت و چه آسان، در بخش غیر رسمی وامی‌دارد، فقر است. درآمدهای پایین این مشاغل، دور باطل فقر را ایجاد نموده، یا تسریع می‌بخشند. بنابراین رشد روزافزون فقر را باید به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد مشاغل غیر رسمی محسوب نمود (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۸۳).

به طور خلاصه می‌توان گفت چالش‌های اشتغال در بخش رسمی از دو بُعد قابل مطالعه است؛ یکی بُعد عرضه نیروی کار در این بخش است که به دلیل فقر، نیاز و عدم امکان اشتغال در بخش رسمی به این بخش متوسل می‌شوند و دوم بُعد تقاضای نیروی کار در این بخش است که کارفرمایان با در نظر گرفتن منافع خود و عدم التزام به تعهدهای حقوقی و قانونی که در بخش رسمی ناگزیر از پذیرش آن هستند و به بیان اقتصادی به دلیل هزینه مبادله^۱ استفاده از نیروی کار بخش غیر رسمی تقاضای نیروی کار خود را از این بخش تأمین می‌کنند.

سوابق تحقیق

مطالعات خارجی

سارتوری و گیلوتو^۲ (۲۰۰۶)، با استفاده از روش داده - ستانده و به کارگیری جریان‌های کالاها و خدمات بین بخش‌های مختلف، سهم اشتغال غیر رسمی اقتصاد برزیل را در سال ۲۰۰۳م، ۵۲ درصد برآورد کرده‌اند. نتیجه این بررسی، حاکی از رابطه معکوس بین سهم اشتغال رسمی از کل اشتغال بخش‌ها بوده است، یعنی بخش کشاورزی با داشتن بیشترین حجم اشتغال، سهمش از اشتغال رسمی کمترین مقدار می‌باشد.

ماکو و سانفی^۳ (۲۰۰۴) به مطالعه بخش غیر رسمی آلبانی پرداختند، در این مطالعه به بررسی موانع کسب و کار در آلبانی و دلایلی که منجر به گرایش مردم به بخش غیر رسمی می‌شود، پرداخته شده است. ماکو و سانفی معتقدند که شکاف معنی‌داری بین بیکاری ثبت شده و کل بیکاران در ارزیابی‌های نیروی کار وجود دارد. که این شکاف معنادار نتیجه مهاجرت طیف وسیعی از مردم به آلبانی است. یکی از مشخصه‌های بارز بخش غیر رسمی آلبانی وجود تعداد بسیاری از کارگران ثبت نشده که فعالیتشان به رسمیت شناخته نشده است و به دو صورت نیمه‌وقت و تمام‌وقت به فعالیت مشغول‌اند، بوده است. فعالیت‌های غیر رسمی آلبانی، شامل: فعالیت‌های گزارش نشده به مؤدیان مالیاتی و فعالیت‌های خارج از حیطه قانون از جمله قاچاق کالاها، کلاهبرداری، صرف‌کردن استعدادهای در مسیر کارهای بد، دزدی و... است.

نورالامین (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای به بررسی اقتصاد غیر رسمی تایلند پرداخته است. نوسان‌های اقتصادی در تایلند، اقتصاد غیر رسمی این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار

1. transaction costs

2. Sartori & Guilhoto

3. Muco & Sanfey

داده است. در سال های ۱۹۹۸-۱۹۹۴م که اقتصاد این کشور در حالت رونق به سر می برد، اقتصاد غیر رسمی از ۶۰ درصد به ۵۷ درصد اشتغال کل کاهش یافت ولی در سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷م، رکود اقتصادی، اقتصاد غیر رسمی تايلند را به ۶۰ درصد برگرداند. بررسی های انجام شده حاکی از میانگین درآمد بالای نیروی کار خود اشتغال و مالکان غیر رسمی نسبت به درآمد متوسط حقوق بگیران شهری تايلند بوده است.

مطالعات داخلی

نایب (۱۳۷۸) اقدام به ارائه تصویری از بخش غیر رسمی شهری در ایران نموده است. وی بررسی اثر تغییر اشتغال بخش رسمی بر روی اشتغال بخش غیر رسمی با استفاده از مدل خطی و خطی لگاریتمی انجام داده است. او با استفاده از آمار بودجه خانوار، سهم اشتغال غیر رسمی را در سال های ۱۳۷۶، ۱۳۷۲، ۱۳۶۸، ۱۳۶۴ برآورد کرده است. سهم اشتغال در این سال ها میان ۶۵-۶۰ درصد بوده است.

باباحیدری (۱۳۸۰)، در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان اندازه گیری و بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیر رسمی ایران، سهم شاغلان بخش غیر رسمی ایران را برآورد نمود. باباحیدری با استفاده از روش MIMIC اشتغال بخش غیر رسمی (متغیر غیر قابل مشاهده) را در طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۷۷ برآورد کرده است. برآورد وی حاکی از روند صعودی اشتغال غیر رسمی در سال های اخیر بوده است. میانگین ارقام سری زمانی برآوردی در مقطع زمانی ۱۳۵۱-۱۳۵۸، بیش از ۲۸ درصد، در مقطع زمانی ۱۳۵۹-۱۳۶۸ با رشدی معادل ۴۵ درصد به ۲۹ درصد رسیده است. در حالی که این شاخص در دوره ی ۱۳۶۹-۱۳۷۷ با رشدی معادل ۲۷ درصد نسبت به دوره های قبل، به بیش از ۳۷ درصد رسیده است.

رنانی (۱۳۸۴)، در مقاله ای با عنوان ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی، از سه ویژگی مهم شغلی افراد، یعنی نوع شغل، نوع فعالیت و شرایط شغلی با استفاده از آمار پایه ویژگی های اشتغال و بیکاری خانوار مربوط به ۲۸ استان و برای دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۲ سهم و ساختار اشتغال غیر رسمی را محاسبه نموده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که بخش غیر رسمی کشور در سال ۱۳۸۲ به طور متوسط در حدود ۲۸ درصد از کل اشتغال را به خود اختصاص داده است. بخش کشاورزی بیش از دیگر بخش های اقتصادی زمینه فعالیت های غیر رسمی را فراهم آورده است و گسترش بخش غیر رسمی را همراه با رشد اقتصاد عنوان نموده است.

روش تحقیق

روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه (MIMIC) است. در این روش بررسی علل پیدایش و آثار پدیده مورد نظر (بازار کار غیر رسمی) به‌طور همزمان صورت می‌گیرد. این روش، در واقع حالت خاصی از مدل‌یابی معادلات ساختاری است که فصل مشترک تحلیل عاملی و رگرسیون چندمتغیره از نوعی مدل‌سازی اقتصادسنجی با استفاده از متغیرهای غیر قابل مشاهده است.

در مدل‌های MIMIC، تنها یک متغیر پنهان وجود دارد و بردار متغیرهای X برداری است که علل متغیر پنهان را دربر دارد و بردار متغیرهای Y بردار شاخص‌ها (آثار) متغیر پنهان است. در این حالت خاص متغیر پنهان با حرف η نمایش داده می‌شود. مدل MIMIC، چنین است:

$$Y_{p \times 1} = \lambda_{yp \times 1} \times \eta + \varepsilon_{p \times 1} \quad (1)$$

$$\eta = \gamma_{1 \times q} \times X_{q \times 1} + \zeta$$

که در آن، بردار Y ، شاخص‌های متغیر پنهان η و بردار X ، علل η است. معادله اول در سیستم معادلات ۱ به عنوان مدل اندازه‌گیری و معادله دوم، معادله ساختاری است که در قسمت پایین به صورت مجزا نشان داده شده‌اند:

مدل معادلات اندازه‌گیری:

(۲)

$$y_t = \lambda \eta_t + \varepsilon_t$$

(۳)

$$E(y_t) = E(\varepsilon_t) = 0$$

مدل معادلات ساختاری:

(۴)

$$\eta_t = \gamma x_t + \zeta_t$$

(۵)

$$E(\eta_t) = E(x_t) = E(\zeta_t) = 0$$

با جایگزین کردن معادله ۴ در معادله ۳ یک سیستم معادله رگرسیونی به دست می‌آید:

(۶)

$$y = \Pi x_t + z_t$$

$$(۷)$$

$$\Pi = \lambda \gamma'$$

$$(۸)$$

$$z_t = \lambda V_t + \varepsilon$$

$$(۹)$$

$$z_t \approx (0, \Omega)$$

$$(۱۰)$$

$$\text{cov}(z_t) = \lambda \lambda' \Psi + \Theta$$

η_t : متغیر غیر قابل مشاهده (بازار کار غیر رسمی)؛

y_t : بردار ($p \times 1$) از شاخص‌های مشاهده شده از آثار اشتغال در بازار کار غیر رسمی؛

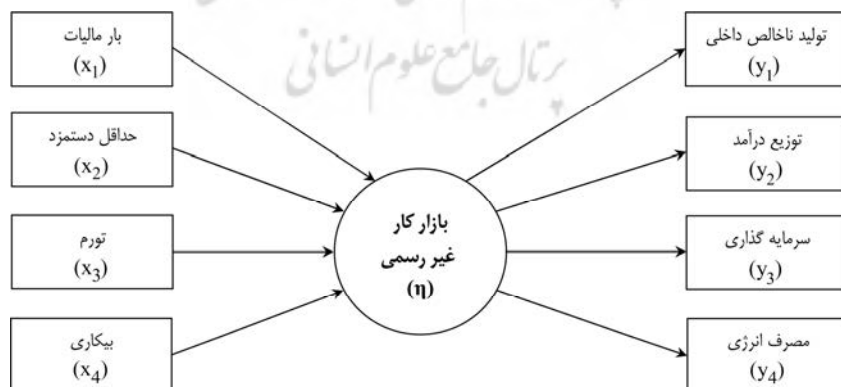
x_t : بردار ($q \times 1$) علل پیدایش اشتغال غیر رسمی؛

γ و λ : به ترتیب بردارهای ($P \times 1$) و ($q \times 1$) از پارامترها؛

ζ_t و ε_t : به ترتیب بردارهای اسکالر و ($p \times 1$) هستند.

بنا به فرض، این خطاها دارای توزیع نرمال بوده و همبستگی دوطرفه بین آنها برقرار نیست (بان و اشنایدر، ۲۰۰۸).

قابل ذکر است که تاکنون با استفاده از نرم‌افزار لیزرل و روش حداکثر راست‌نمایی به برآورد ضرائب ناشناخته در مجموعه معادلات ساختاری پرداخته شده است. اما در این پژوهش برآورد پارامترهای سیستم معادلات MIMIC با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار ویزوال پی. ال. اس. انجام گرفته است.



نمودار ۳: الگوی اندازه‌گیری بازار کار غیر رسمی

محدودیت مدل

مانند هر مدل کمی دیگر، استفاده از این مدل نیز با محدودیت‌هایی مواجه است. مهم‌ترین آنها دست یافتن به آمار و اطلاعات مورد نیاز است که از درجه اعتبار بالایی برخوردار باشد. بدیهی است که برای اشتغال غیر رسمی می‌توان هم علل متفاوت و آثار متفاوت و مهم دیگری نیز برشمرد و تنها به دلیل محدودیت‌های آماری صرفاً علل و آثار یادشده مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. درخصوص آمارهای مورد استفاده هرچند از مراجع رسمی تولید آمار همچون مرکز آمار ایران و بانک مرکزی استفاده شده، ولی به هر حال باید با دیده احتیاط نگریده شوند.

داده‌ها به صورت سری زمانی هستند و سال پایه را ۱۳۷۶ قرار داده‌ایم. تمام داده‌ها برگرفته از اطلاعات مرکز آمار ایران و بانک مرکزی است و تنها متغیر حداقل دستمزد از سازمان تأمین اجتماعی اخذ شده است.

تخمین مدل

در این بخش برای تخمین الگوی مذکور (تخمین سیستم معادلاتی که دربردارنده متغیر یا متغیرهای نامشهود هستند) از روش حداقل مربعات جزئی، با استفاده از بسته نرم‌افزاری اس. پی. ال. اس^۱، استفاده شده است. برای انجام این پژوهش دوره زمانی ۳۵ ساله ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

تاکنون در تحقیقات مختلف برآورد پارامترهای معادلات ساختاری، روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه با استفاده از نرم‌افزار لیزرل^۱ و رویکرد حداکثر راست‌نمایی (ML)^۲ صورت گرفته است. اما آنچه که ما را بر آن داشت تا از رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار ویزوال پی. ال. اس. استفاده نماییم، ایرادها و کاستی‌های واردشده بر نرم‌افزار لیزرل بوده است. مهم‌ترین برتری روش حداقل مربعات جزئی نسبت به روش حداکثر راست‌نمایی (لیزرل)، امکان برآورد پارامترهای معادلات ساختاری براساس کوواریانس در شرایطی با حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ را میسر می‌سازد.

مدل‌سازی معادلات ساختاری براساس کوواریانس (لیزرل)، مستلزم حجم نمونه‌ای بالغ بر ۱۰۰ مشاهده، صرف نظر از دیگر مشخصات داده‌ها است (ناصر^۳ و ویسنبرگر^۴، ۲۰۰۳).

1. Linear Interdependent Structural Relationship (LISREL)

2. Maximam Likelihood

3. Nasser

4. Wisenbaker

حتی برخی از محققان از جمله، مارش و همکاران (۱۹۹۸) حداقل ۲۰۰ مشاهده را برای برآورد پارامترهای معادلات ساختاری از طریق لیزرل ضروری دانسته‌اند. دیلون، کومار و مولانی (۱۹۸۷) معتقدند چون وجود نمونه‌ای کمتر از تعداد یادشده به جواب‌هایی که عموماً قابل تعبیر و تفسیر نیستند - از قبیل واریانس منفی و یا همبستگی بیشتر از یک - منجر می‌شود، استفاده از لیزرل را با مشکل مواجه می‌سازد و این مسئله جزء محدودیت اصلی لیزرل محسوب می‌شود. همچنین قابل توجه است که روش حداکثر راست‌نمایی رویکردی کوواریانس محور و حداقل مربعات جزئی رویکردی واریانس محور می‌باشد.

جدول ۱: نتایج حاصل از تخمین مدل شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه
(منبع: محاسبات محقق)

متغیرها	ضرایب تأثیر	خطای استاندارد	آماري t
نرخ مالیات	۰/۸۹۵	۰/۰۶۹۹	۱۲/۸۱۰۸
حداقل دستمزد	۰/۵۸۸۰	۰/۲۳۰۸	۲/۵۴۸۲
تورم	۰/۱۸۹۰	۰/۰۵۳۴	۳/۵۳۶۶
بیکاری	۰/۰۴۱۰	۰/۰۲۹۱	۱/۴۰۸۹
توزیع درآمد	-۰/۳۱۸۰	۰/۱۷۱۴	-۱/۸۵۵۱
سرمایه‌گذاری	۰/۰۹۲۰	۰/۱۱۷۵	۰/۷۸۳۰
مصرف انرژی	۰/۲۶۸۰	۰/۱۴۲۵	۱/۸۱۷۱
رشد تولید ناخالص داخلی	-۰/۱۲۲۰	۰/۱۴۱۳	-۰/۸۶۳۵

برای تعیین ضرایب معنی‌دار روابط مورد مطالعه از عملیات Bootstrap استفاده شده است. در تفسیر مقادیر گزارش شده به اعتقاد بنتلر و یوان^۱ (۱۹۹۰) مقادیر t بالاتر از ۱/۹۶ در عملیات Bootstrap نشان می‌دهند که این رابطه در سطح ۱ درصد (۹۹ درصد اطمینان) قابل قبول است و به لحاظ آماری قابل استناد است. اگر این مقدار بین ۱/۶۴-۱/۹۶ قرار بگیرد این سطح اطمینان به ۹۵ درصد کاهش می‌یابد و نشان از آن دارد که این رابطه معنادار از لحاظ آماری دارای ۰/۰۵ خطا است. از آنجا که در روش تحقیق و آمار علوم اقتصادی و رفتاری، سطوح زیر ۰/۰۵، فاقد ارزش بررسی‌اند و شاخص‌ها و معیارهای درستی برای آنها ارائه نشده است، مقادیر زیر ۱/۶۴ را به لحاظ آماری بی‌معنا در نظر می‌گیرند. این بدان معنا نیست که این ضرایب هیچ چیز را نشان نمی‌دهند، بلکه از این

1. Bentler & Yuan

مقادیر می‌توان برای رتبه‌بندی استفاده کرد و ضرایب را به صورت نسبی با یکدیگر به بوتله آزمایش گذاشت.

در اینجا لازم است بیان شود که داده‌های این برآورد براساس توزیع z بین ارقام ۴- تا ۴ استاندارد شده است.^۱

یافته‌های مطالعه حاضر حاکی از آن است که بازار کار غیر رسمی بخش عمده‌ای از اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است سهم شاغلان این بخش طی دوره ۳۵ ساله (۱۳۵۱-۱۳۸۵) با فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده است، ولی در مجموع روند صعودی را طی کرده است با تقسیم دوره مورد مطالعه به سه دوره قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۱-۱۳۵۷) دوره جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۸) و دوران بازسازی و اجرای برنامه‌های توسعه (۱۳۶۹-۱۳۸۵)، نتایج مدل MIMIC و بهره‌گیری از نرم‌افزار V-PLS حاکی از آن است که در دوره اول، سهم اشتغال غیر رسمی ایران ۱۲/۸۲، در دوره دوم ۶/۳۴ و در دوره آخر ۲۱/۶۶ درصد بوده است. احتمالاً علت کاهش چشمگیر اشتغال غیر رسمی بازار کار در دوران جنگ مربوط به کاهش تعیین نرخ حداقل دستمزدها و نرخ مالیات‌ها در این مقطع زمانی بوده است. معادله ساختاری برآورد شده در این مدل با توجه به ضرایب تأثیر چنین است:

$$\text{UNEMPLOY} = 0.041 \text{ INFLATION} + 0.189 \text{ WAGE} + 0.588 \text{ BURD} + 0.895 \text{ ILM}$$

(۱۲/۸) (۲/۵۴) (۳/۵۴) (۱/۴۱)

براساس این معادله، اگر رشد بار مالیات‌ها ۱ درصد افزایش یابد، سهم شاغلان بازار کار غیر رسمی در حدود ۰/۹ درصد افزوده می‌گردد. با افزایش ۱ درصدی در نرخ حداقل دستمزدها، سهم شاغلان بازار کار غیر رسمی بیش از ۰/۵ درصد افزایش پیدا می‌کند. با توجه به رابطه مثبت تورم و اشتغال بازار کار غیر رسمی، در صورتی که بر نرخ تورم ۱ درصد افزوده شود، بر سهم شاغلان بازار کار غیر رسمی ایران در حدود ۰/۲ درصد افزوده می‌گردد. و در آخر اگر نرخ بیکاری ۱ درصد افزایش یابد، نزدیک ۰/۰۵ درصد بر این سهم اضافه می‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله، با استفاده از مدل شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه، که یکی از پرکاربردترین و مناسب‌ترین روش‌های رایج در اندازه‌گیری متغیر غیر قابل مشاهده (پنهان)

۱. این روند براساس الزامات نرم افزار V-PLS می باشد.

است، به بررسی علل و روند تحولات پدیده بازار کار غیر رسمی در ایران اقدام نموده است. مقادیر پارامترهای تخمین زده شده، تنها به صورت نسبی و در مقایسه با مقادیر دیگر پارامترها قابل تفسیر خواهد بود. نتایج حاکی از اثر مثبت و معنادار بار مالیات بر فعالیت‌های غیر رسمی بازار کار است. این خود مؤید این مطلب است که بسیاری از افراد به دلیل پرداخت نکردن مالیات به دولت (فرار مالیاتی)، انگیزه حضور در بازار کار غیر رسمی دارند.

از سوی دیگر، متغیر تورم است، رابطه مثبت این متغیر با روند تحولات بازار کار غیر رسمی بیانگر این موضوع است که افزایش قیمت کالاهای مصرفی و کاهش قدرت خرید گروهی از مردم، با گرایش به انجام فعالیت‌های غیر رسمی آنها رابطه مستقیم دارد. از سوی دیگر رابطه مثبت حداقل دستمزدها با بازار کار غیر رسمی، گویای این واقعیت است که افزایش حداقل دستمزدها گرچه به نفع گروه کم درآمد جامعه است، اما تعیین حداقل دستمزد در بخش رسمی به بیکاری عده زیادی از فعالان رسمی و اتصال آنها به بخش غیر رسمی منجر خواهد شد. الگوی منتخب نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در رتبه‌بندی متغیرهای علل در پایین‌ترین رده قرار دارد. این مشکلات می‌تواند ناشی از کاستی‌های مربوط به اطلاعات آماری در خصوص اشتغال و بیکاری در ایران باشد.

بررسی نتایج آماری اثرگذاری فعالیت‌های بازار کار غیر رسمی بر روی شاخص‌های مهم اقتصادی، نشان‌دهنده تأثیر منفی فعالیت‌های غیر رسمی بر روی توزیع درآمد و اثر مثبت آن بر مصرف انرژی است. رشد فعالیت‌های غیر رسمی هم از طریق کاهش درآمدهای دولت (عدم پرداخت مالیاتی) برای توزیع مجدد و هم از طریق ایجاد اختلاف طبقاتی بین عاملان بخش‌های رسمی و غیر رسمی شاغلان بر توزیع درآمد، اثری منفی برجای خواهد گذاشت، که این نتیجه با یافته‌های نیلی و ملکی (۱۳۸۵) مطابقت می‌کند. با افزایش فعالیت‌های غیر رسمی و نیاز به عوامل تولید از جمله انرژی، مصرف این عامل تولیدی در کنار گسترش فعالیت‌های غیر رسمی افزایش می‌یابد.

با توجه به یافته‌های مقاله می‌توان راهکارهای سیاستی ذیل را پیشنهاد نمود:

- با توجه به مشکلات کشورهای در حال توسعه و مزیت‌های بخش غیر رسمی، توجه به این بخش و شناسایی موانع و دشواری‌های بر سر راه آن، ضروری است؛
- توجه به نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش ناگهانی بار مالیاتی در کشور ما نیز می‌تواند مانند بسیاری از کشورهای دیگر اندازه نسبی فعالیت‌های غیر رسمی بازار کار

را افزایش دهد. بنابراین، در تعقیب هدف افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، با توجه به انگیزه‌های قوی فرار مالیاتی در کشور، باید افزایش مالیات با احتیاط و به صورت تدریجی صورت گیرد در غیر این صورت، باید ناظر گسترش اندازه بازار کار غیر رسمی در اقتصاد کشور بود؛

- یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر حجم فعالیت‌های غیر رسمی، تورم بود که با منطق و تئوری نیز سازگار است؛ زیرا با افزایش تورم، عده بسیاری زیر خط فقر قرار می‌گیرند که این افراد برای تأمین معاش خود به کارهای غیر رسمی روی می‌آورند. بنابراین دولت باید از تمام ابزارهای لازم برای کنترل تورم و اجتناب از عوارض منفی آن استفاده نمود؛

- نظر به اینکه بیکاری نیز به عنوان یکی از علل پیدایش و گسترش فعالیت‌های غیر رسمی در ایران مورد تأیید قرار گرفت، تعقیب سیاست‌های اشتغال و مبارزه با بیکاری نیز می‌تواند موجب کاستن از حجم و اندازه فعالیت‌های غیر رسمی و اشتغال غیر رسمی گردد؛ - در خاتمه باید به این نکته اشاره نمود که این مقاله بر آن نبود تا حسن‌ها و یا عیب‌های اشتغال غیر رسمی را مورد مطالعه قرار دهد که خود مطالعه مستقل دیگری را می‌طلبد، ولی با توجه به آنکه اشتغال در بازار کار غیر رسمی نقش مهمی در کاهش بیکاری و فقر، به ویژه برای اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر دارد، باید به طریق مختلف مورد حمایت قرار گیرد؛ از جمله تأمین منابع مالی عموماً خردی که مورد نیاز این بخش است، بنابراین، حمایت از مؤسسات مالی خرد با هدف تأمین اعتبارات مالی برای شاغلان این بخش و یا ایجاد نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی (NGO'S) برای حمایت از حقوق کارگران و کارفرمایان بخش غیر رسمی می‌تواند گام‌های مؤثری در جهت حمایت از شاغلان این بخش باشد.

منابع

- باباحیدری، س. (۱۳۸۰)، اندازه‌گیری و بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیر رسمی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- بابایی، ح. (۱۳۸۴)، «ایمنی و بهداشت کار و کار شایسته»، مجله کار و جامعه، ش ۶۲، ص ۵۴-۵۸.
- پژویان، ج. و ع. امینی (۱۳۸۰)، «آزمون تجربی اثر قانون حداقل دستمزد بر اشتغال گروه‌های جمعیتی جوان در اقتصاد ایران»، مجله پژوهشنامه اقتصادی، ج ۲، ص ۷۴-۵۷.
- توماس، ج.؛ ر. ریسکاوویچ و س. وینچنزو (۱۳۷۶)، اقتصاد غیر رسمی، ترجمه و تلخیص م. نوربخش و ک. سپهری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- حق‌شنو، س. (۱۳۸۴)، «تقویت نظام حمایت اجتماعی»، مجله کار و جامعه، ش ۶۲، ص ۳۴-۳۵.
- رنانی، م. و همکاران (۱۳۸۴)، «ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی ایران»، مجله اقتصادی، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۲۱-۳۷.
- شکیبایی، ع. و ع. رئیس‌پور (۱۳۸۶)، «بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ج ۳، ص ۱۷-۳۴.
- گزارش سازمان بین‌المللی کار (۱۳۸۳)، کار شایسته و اقتصاد غیر رسمی، ترجمه م. ضیایی بیگدلی، ج ۱، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.
- نایب، س. (۱۳۷۸)، بررسی ساختار بازار کار بخش غیر رسمی شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- نیلی، م. و م. ملکی (۱۳۸۵)، «اقتصاد غیر رسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین اثرات آن بر بخش رسمی»، فصلنامه علمی پژوهشی شریف، ش ۳۶، ص ۴۵-۵۶.
- Ahn, N. & S. De La Rica (1997), "The Underground Economy in Spain", *An Alternative to Unemployment? Applied Economics* 29, pp.733-743.
- Bentler, P. M. (1990), "Comparative Fit Indexes in Structural Models", *Psychological Bulletin* 107, pp.238-246.
- Boeri, T. & P. Garibaldi (2001), *Shadow Activity and Unemployment in a Depressed Labor Market*, GIER Working Paper.

- Buhn, A. & F. Schneider (2008), *Mimic Models, Cointegration and Error Correction: An Application to the French Shadow Economy*, Working paper 2200, pp.2-27.
- Dillon, W. R.; A. Kumar & N. Mulani (1987), "Offending Estimates in Covariance Structure Analysis", *Comments on the Causes of and Solutions to Heywood Cases, Psychological Bulletin 101*, pp.126-135.
- John, Small & Michael Witherick (1989), *A. Modern Dictionary of Geography*, 2nd ed., Edward Arnold, London.
- Marsh, H. W.; K. T. Hau; J. R. Balla & D. Grayson (1998), "Is More Ever too Much? The Number of Indicators Per Factor in Confirmatory Factor Analysis", *Multivariate Behavioral Research 33*, pp.181-220.
- Mazumdar, D. (1976), *The Urban Informal Sector, World Development 9*, pp.655-679.
- Muco, M.; P. Sanfey; E. Luci & G. Hashorva (2004), "Private Sector and Labour Market Developments in Albania: Formal Versues Informal", *The Vienna Institute for International Economic Studies*, pp.1-47.
- Nural Amin (1987), *The Role of the Informal Sector in Economic Development Some Evidence from Dhaka, Bangladesh: International Labour Review 1.126*, no.5.
- Sartori, F. & J. M. Guilhoto (2006), *Structural Analysis of the Formal and Informal Job in the Brazilian Economy 46*, pp.1-24.
- Sethuraman, S. V. (1981), *The Urban Informal Sector in Developing Country: Employment, Poverty and Environment*, Geneva, ILO.
- World Bank (1990), *World Development Report*, New York: Oxford University Press.